



پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی
دانشگاه باقرالعلوم

عنوان

تغییرات اجتماعی در اندیشه سید جمال الدین اسدآبادی

استاد راهنما

جناب آقای دکتر علیرضا شجاعی زند

استاد مشاور

حجت الاسلام والمسلمین دکتر حمید پارسانیا

نگارش و پژوهش

مجید کافی

۱۳۸۶

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقدیم به:

ناچیزتر از آن است که شایسته تقدیم باشد، با وجود این به دلیل پرهیز از سنت شکنی و پیروی از سنت مرسوم و به امید گوشه چشمی از محبوب تقدیم می‌دارم به:

بنیانگذار جمهوری اسلامی و تمامی رهروان راه حقیقت به ویژه شهیدان سرافراز، و تمامی استادان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه به ویژه آنانی که در راستای شغل انبیاء با علم و عمل خود نهال معرفت و شریعت را در جسم و جانم آبیاری نمودند. و با اهداء بهترین سلام‌ها و درودها به پدر بزرگوار و مادر مهربانم که با زحمت، لطف و مرحمت آغوش و دامن پر مهر خود را در تربیت دینی و اجتماعی فرزندان خود گشودند و خانواده صبور، همراه و مهربانم که سهم بزرگی از موفقیت‌م مرهون زحمات و تلاشهای آنان است.

تقدیر و تشکر

حمد و سپاس خداوند متعال را که حمدش مزید نعمت است. و سلام و درود بی پایان بر انبیاء الهی به ویژه خاتم پیامبران حضرت محمد (ص) و بر اوصیای حضرتش به خصوص امام این روزگار حجه بن الحسن العسکری (عج) که صلواتشان رحمت است. پس از حمد و ستایش خداوند بر خود لازم می دانم، مراتب تقدیر و تشکر خود را از استاد فرزانه جناب آقای دکتر علیرضا شجاعی زند که نه فقط به عنوان استاد راهنمای این رساله، بلکه همچنین به عنوان شاگردی که این جانب را مرهون تقوا، دانش و تعهد خود ساختند، ابراز دارم. افزون بر این از استاد و دوست بزرگوارم جناب حجه الاسلام آقای حمید پارسانیا که با حوصله و دقت و تذکرات سودمند خود در امر مشاوره مرا در نگارش این رساله یاری رساندند، تقدیر و تشکر می کنم.

همچنین از سایر استادان گرانمایه دانشگاه باقرالعلوم (ع)، اعضای محترم هیئت علمی گروه علوم اجتماعی، مسئولان و کارشناسان خدوم و صبور واحد آموزش دانشگاه و همه دست اندرکاران دانشگاه به ویژه ریاست محترم که فرصت تحصیل و این پژوهش را برایم فراهم نمودند، تشکر فراوان دارم.

چکیده

فعالیتها و آثار اندیشمندان شیعی در باب احیای اسلامی سه مرحله اساسی را به وجود آورده است: مرحله بیداری. در این مرحله جوامع اسلامی حیات تازه‌ای را آغاز کرد. مرحله شکل‌دهی به اندیشه اجتماعی - سیاسی مسلمانان است؛ بدانگونه که امکان پایداری و استقامت در برابر تمامی مکتبهای مادی را به مسلمانان آموخت. و مرحله انقلاب و تشکیل حکومت.

این تحقیق درصدد بررسی یکی از اندیشمندان مرحله اول یعنی سید جمال‌الدین اسدآبادی است. از این رو هدف این مطالعه بازسازی معما و مسأله سید جمال، در مدل چهار جانبه توماس اسپریگنز است که در آن مسائل و آسیبهای جامعه معاصر سید، عوامل و علل آن مسائل، راهکارهای حل آن مسائل و سرانجام طرح و ترسیم جامعه و وضعیت مطلوب در نظر وی به خوبی از یکدیگر تفکیک می‌گردد.

برای فهم اندیشه تغییر در افکار سید جمال‌الدین اسدآبادی اولین سؤالی که باید به آن پرداخت، این است که «مشکلات جامعه از نظر سید چیست؟» و چه نارسایی و بی‌نظمی مشخصی را می‌خواهد درمان کند؟ به نظر سید بحرانهایی که موجب شده‌اند، وی درصدد شناخت، کشف علل و یافتن راه حل آنها برآید، به صورت فرهنگی، سیاسی و اجتماعی ظاهر شده بودند.

از آن جا که سید در صدد تغییر اوضاع و احوال موجود است، شرایطی را نامنظم و نامطلوب تشخیص داده بود، لذا منطقی مشاهده حکم می‌کند که زمینه مشاهده نیز بررسی گردد. در این مرحله دو سؤال مطرح می‌شود: نخست این که اگر این اوضاع نامطلوب است، دلایل آن چیست؟ و دوم این که اگر این اوضاع نامطلوب است، آیا بحرانهایی و بی‌نظمی‌های اجتماعی (اوضاع نامطلوب) مطرح شده، ریشه سیاسی، یا فرهنگی و یا اجتماعی دارد؟ افزون بر این سید باید کشف کند که آیا ریشه مشکل عام و اجتماعی است و یا این که مشکل انفرادی است و صرفاً تأثیرات ذهنی و فردی مصلح اجتماعی است. در نظر سید علت دردها و آسیبهای جوامع اسلامی، علت جمعی است نه علت فردی؛ غیرطبیعی است نه طبیعی. وی ریشه دردها و مسائل را در اموری می‌داند که به جامعه مربوط می‌شود و بنابر این عام است.

در نظریه تغییرات اجتماعی سید باید به دنبال نظریه «هنجاری» و «تجویزی» وی بود. نظریه هنجاری یا تجویزی نظریه‌ای است که به ما می‌آموزد که چه باید بکنیم و مدعی است که وظایف، تکالیف و آرمانها را می‌داند. تجویزهای سید جمال مثل توصیه همه مصلحان اجتماعی تا حد زیادی به نسخه پزشک شباهت دارند. تجویزهای سید احکام اخلاقی مطلق نیستند، بلکه توصیه‌هایی هستند برای افرادی که برای سلامت خود ارزش قائلند، اینها نظراتی دوراندیشانه هستند. راه‌های درمان نابسامانی‌ها و بیماری جوامع اسلامی عبارت است از: بازگشت به قواعد و اصول دین خویش، اجرای دقیق احکام آن، هدایت و ارشاد مردم به سوی حقایق آن دین؛ ایجاد آزادی و رفع ظلم؛ تشکیل جبهه اتحاد اسلامی؛ احیای اصل فراموش شده «جهاد»؛ جامعه‌پذیر کردن

صحیح یا تعلیم و تربیت اسلامی مسلمانان.

مشاهده بی‌نظمی معنی‌اش این است که نظام منظم و سالم می‌تواند وجود داشته باشد. به عبارت دیگر، چون سید جامعه بحران زده اسلامی را «بی‌سازمان» می‌دید، باید نشان دهد که جامعه اسلامی سازمان‌یافته چه نوع جامعه‌ای است. سید جمال تصویر جامعه خود را با مشاهده شکست‌های جامعه‌اش و سپس با تصور کردن جامعه‌ای که این شکست‌ها در آن وجود ندارد، ترسیم می‌کند. او با مشاهده جنگ، جهانی پر از صلح؛ با مشاهده نادرستی، حقیقت؛ با مشاهده نفرت، اخوت؛ با مشاهده جدایی‌ها، اتحاد؛ و با مشاهده سرکوبی، آزادی را می‌بیند. به هر حال سید جمال جهان بازسازی شده‌ای را که ارائه می‌دهد به شدت با وضع موجود تفاوت دارد.

اما در مورد روش تحقیق باید گفت: از آنجا که جمع‌آوری اطلاعات در این تحقیق از طریق فرآیند آماری به دست نیامده است، تحقیق از نوع تحقیقات کیفی به حساب می‌آید. طبق این تعریف، تحقیقات مبتنی بر روش کتابخانه‌ای را می‌توان از تحقیقات کیفی به حساب آورد. طبق تعریف تحقیق کتابخانه‌ای، ابتدا به مطالعه آثار سید جمال‌الدین پرداخته و از این طریق اطلاعات مورد نیاز را جمع‌آوری نموده‌ام. به عبارت دیگر ابتدا به روش «مطالعه پژوهشی» دست به جمع‌آوری اطلاعات زده‌ام. بعد از مرحله جمع‌آوری اطلاعات، باید مجموعه اطلاعات جمع‌آوری شده، طبقه‌بندی شود تا از حالت پراکندگی و گستردگی خارج شود. سپس باید اطلاعات جمع‌آوری شده با توجه به ضابطه‌هایی مورد ارزیابی بیرونی و درونی قرار گیرد تا اعتبار و حجیت آنها مشخص گردد و در پایان باید بر اساس این اطلاعات استدلال و استنتاج کنیم و نتایج و برداشتهای خود را ارائه نماییم؛ یعنی به سؤالات تحقیق پاسخ دهیم. مرحله بعد، نقد و ارزیابی اطلاعات جمع‌آوری شده است. در تحقیق حاضر ما بیشتر بر نقد درونی، یعنی تعیین معنا و مفهوم اطلاعات می‌پردازیم؛ چرا که نقدهای بیرونی توسط دیگران بر روی آثار سید جمال‌الدین انجام گرفته است. در نقد درونی فهم مفردات، ترکیبات و جملات، گردآوری شواهد و قرینه‌ها، یافتن شواهد و در کنار هم قرار دادن اطلاعات مشابه مورد توجه بوده است. سرانجام دست به تفسیر و استنباط زده‌ام.

در نهایت، این جستار کوشش کرده است که واضح‌تر از خود سید روند و شکل اندیشه او را توضیح دهد. اما برای درک اهمیت و محتوای نظریه اجتماعی هیچ روشی جای مطالعه مستقیم آثار را نمی‌تواند بگیرد. لذا اگر کسی قصد درک تمام اندیشه اجتماعی سید را دارد، باید به آثار اصلی وی مراجعه کند.

فهرست مطالب

6..... **فصل اول: مقدمه**

8..... بیان مسأله

9..... ضرورت تحقیق

10..... اهداف پژوهش

11..... پیشینه تحقیق

Error! Bookmark not defined...... روش تحقیق در این جستار

14..... **فصل دوم: روش تحقیق و مدل تحلیل**

11..... روش تحقیق

18..... مدل تحلیل در تحقیق

20..... مدل تحلیل اسپریگنز

20..... 1. بحران و مشاهده بی‌نظمی

21..... 2. علل بحرانها و بی‌نظمی

21..... 3. تجویزها و راه درمان

22..... 4. جامعه بازسازی شده (مطلوب)

28..... جمع‌بندی

فصل سوم: شخصیت، روش، آرمان و آثار سید جمال‌الدین اسدآبادی

Error! Bookmark not defined......

30..... شخصیت سید جمال‌الدین اسدآبادی

Error! Bookmark not defined...... ویژگی‌های سید جمال‌الدین اسدآبادی

Error! Bookmark not defined...... عملگرایی

Error! Bookmark not defined...... گرایش رادیکال سید جمال

Error! Bookmark not defined...... روش‌شناسی سید جمال

Error! Bookmark not defined...... بهرمندی از روش و حیانی (کتاب و سنت)

defined.

41..... اجتهاد و عقل‌گروی

41..... استفاده از علوم جدید و تجربه

43..... آرمان سید

43..... اصلاحات سیاسی - اجتماعی

Error! Bookmark not defined...... تغییر از بالا

Error! Bookmark not defined...... اصلاح‌گری دینی - اجتماعی

Error! Bookmark not defined...... نقد و بررسی آرمان‌های سید جمال‌الدین اسدآبادی

defined.

50..... آثار سید جمال

Error! Bookmark not defined...... فصل چهارم: آسیب‌های جامعه اسلامی

Error! Bookmark not defined...... 1. مسائل فرهنگی و ایدئولوژیک

Error! Bookmark not defined...... تهاجم فرهنگی غرب

60..... غرب‌گرایی

جهالت و بیخبری مسلمانان و عقب ماندن آنان از کاروان علم و

62..... تمدن

63..... نفوذ اندیشه مادی در اندیشه دینی

65..... رواج صوفی‌گری

65..... باور به جبر (جبرگروی)

Error! Bookmark not defined.... عدم سازگاری دین و دنیا

Error! Bookmark not defined...... 2. مسائل سیاسی

Error! Bookmark not defined...... استبداد

70..... بیعدالت

71..... 3. مسائل جامعه اسلامی

71..... انحرافات اجتماعی

73..... اختلاف بین مسلمانان (تفرقه)

74..... جدایی دین از سیاست

75..... نتیجه گیری

79..... **فصل پنجم: ریشه‌ی مسائل و آسیبهای اجتماعی**

82..... علل درونی انحطاط جوامع اسلامی

82..... علل فرهنگی

90..... علل سیاسی

90..... علل اجتماعی

92..... علل بیرونی انحطاط جوامع اسلامی

94..... خلاصه و نتیجه

96..... **فصل ششم: راهکارهای اصلاح جامعه**

Error! Bookmark not defined...... 1. اعتماد به دین اسلام

100..... 2. آزادی

100..... 3. تشکیل جبهه اتحاد اسلامی

102..... 4. مبارزه (جهاد)

Error! Bookmark not defined...... 5. جامعه‌پذیری

Error! Bookmark not defined...... 6. اصلاح بینشها و باورها (بازگشت به اسلام نخستین)

defined.

Error! Bookmark not defined...... 7. بومی سازی علوم و فنون جدید

Error! Bookmark not defined...... 8. آگاهی سیاسی

Error! Bookmark not defined...... 9. همبستگی اجتماعی

Error! Bookmark not defined...... 10. اجتهاد

Error! Bookmark not defined...... 11. توسعه این جهانی

Error! Bookmark not defined...... نتیجه گیری

Error! Bookmark not defined.... **فصل هفتم: جامعه بازسازی شده (مطلوب)**

Error! Bookmark not defined...... احیای فکر دینی و تغییرات اجتماعی

135 نظریه سید

Error! Bookmark not defined...... مراحل اساسی احیای فکر دینی

Error! Bookmark not defined...... 1. تفسیر مجدد مفاهیم اسلامی

Error! Bookmark not defined...... 2. استخراج احکام فراموش شده

Error!..... 3. ایجاد سازگاری میان اسلام و مقتضیات عصر جدید

Bookmark not defined.

Error! Bookmark not defined...... ویژگی های جامعه مطلوب

Error! Bookmark not defined...... 1. حیا

Error! Bookmark not defined...... 2. امانت

Error! Bookmark not defined...... 3. صداقت

Error! Bookmark not defined...... 4. عدالت اجتماعی

Error! Bookmark not defined...... 5. حکومت دینی

Error! Bookmark not defined...... حکومت اسلامی

Error! Bookmark not defined...... 6. استقلال

Error! Bookmark not defined...... 7. وحدت اسلامی و پاناسلامیسم

Error! Bookmark not defined...... نتیجه گیری

Error! Bookmark not defined...... فصل هشتم: خاتمه

Error! Bookmark not defined...... فهرست منابع

فصل اول

مقدمه

تاریخ اندیشه اجتماعی انسان به اندازه خود حیات و زندگی انسان طولانی است. به عبارت دیگر یکی از مسائلی که ذهن انسان را از ابتدا به خود مشغول کرده است، مسأله زندگی اجتماعی است. از این رو در همه فرهنگها اعم از غربی و شرقی متفکرانی وجود داشته و دارند که دلمشغول مسأله زندگی جمعی انسانی بوده و هستند. به عبارت دیگر، در هر زمانی در آثار اندیشمندانی که «جامعه‌شناس» نیستند، نظراتی در باره زندگی اجتماعی انسان و مسائل آن یافت می‌شود؛ اما باید خاطر نشان کرد که اندیشه‌های علم جامعه‌شناسی بدون ارتباط با اندیشیدن در باره زندگی اجتماعی شکل نگرفته است.

این اندیشه‌ها و دلمشغولی‌ها در باب زندگی جمعی تا به امروز به سه نوع معرفت، یعنی فلسفه اجتماعی، اندیشه اجتماعی و جامعه‌شناسی (علم تجربی پدیده‌های اجتماعی) انجامیده است. اما باید توجه داشت که شکلگیری علم نوین جامعه‌شناسی، بدون اندیشه طولانی انسان در باره زندگی اجتماعی، نه آسان که غیر ممکن است. از این رو شناخت یک علم بدون آگاهی از تاریخ آن علم و اندیشه متفکرانی که در شکل‌گیری آن سهمیم بوده‌اند، غیر ممکن است.

متفکران و جامعه‌شناسان غربی در پیشینه علم جامعه‌شناسی غالباً از متفکران و اندیشمندان شرقی به خصوص مسلمان یاد نمی‌کنند. در صورتی که در هر فرهنگی متفکرانی بوده و هستند که در باره جامعه و پدیده‌ها و زندگی اجتماعی انسان اندیشیده‌اند.

در جوامع شیعی نیز اندیشمندانی یافت می‌شوند که در این عرصه قلمفرسایی یا صحنه‌گردانی کرده‌اند. فعالیتها و آثار اندیشمندان شیعی که به ویژه در دو قرن گذشته دغدغه و ذهن‌مشغولی شناخت مسائل و پدیده‌های جامعه اسلامی، به خصوص مسائل سیاسی آن را در سر داشته‌اند، سه مرحله اساسی را به وجود آورده است:

1. مرحله بیداری. این مرحله که می‌توان از آن به مرحله بیداری جوامع اسلامی یاد کرد، مسلمانان شروع به بیدار شدن از خوابی کردند که چندین قرن بود، در آن فرو رفته بودند. در این مرحله جوامع اسلامی حیات

تازه‌ای را آغاز کرد و پس از آن بی‌خبری و تأخیر، اولین گامهای هشجاری را برداشت. سید جمال و عبده^۱ از مهمترین پیشگامان این مرحله بودند و رهبری آن را بر عهده داشتند.

2. مرحله بلوغ فکری جوامع اسلامی. این مرحله، مرحله شکل‌دهی به اندیشه اجتماعی — سیاسی مسلمانان است؛ بدانگونه که امکان پایداری و استقامت در برابر تمامی مکتبهای مادی و از جمله مهمترین آنها، یعنی کمونیسم، سوسیالیسم، و کاپیتالیسم، را به مسلمانان آموخت و به آنان فرصت داد، تا در پرتو اصول و مفاهیم اسلامی به بازسازی خود پردازند. این مرحله در تاریخ خیزش اسلامی، اهمیت ویژه‌ای دارد. متفکران این مرحله دکتر شریعتی، علامه طباطبایی، شهید مطهری، و شهید صدر بودند.

3. مرحله انقلاب و تشکیل حکومت. این مرحله، مرحله حضور واقعی مسلمانان در صحنه و تجدید حیات همه جانبه و تمام عیار آن و نیز مرحله پایه‌گذاری و بنیان حکومت نوین اسلامی است که با پیشرفتهای معاصر و با نیازهای روز مسلمانان هماهنگ است. طلایه‌دار این مرحله و رهبر اصلی آن حضرت امام خمینی (ره) بود.

بیان مسأله

مسأله تحقیق در این پژوهش این است که جامعه موجود زمان سید جمال که با نابسامانی‌های اجتماعی و سیاسی‌هایی که توسط سید جمال به عنوان یک وضعیت نامطلوب مورد انتقاد و سرزنش قرار گرفته است، نیازمند نوعی مداخله و اصلاح یا بهبود است. این وضعیت نامطلوب برای سید جمال با بینش سیاسی و اجتماعی خاص خودش، معمایی است که باید حل شود، یعنی باید اوضاع و احوال جامعه آن زمان، عوامل آسیبزا، راهکارها و تصویر جامعه مطلوب در یک مدل و نظریه جدید و کلاسیک بطور روشن، درک و تبیین گردد. از این رو هدف این مطالعه این است که معما و مسأله سید جمال‌الدین اسدآبادی، در مدل چهار جانبه توماس اسپریگنز، بازسازی و جستجو شود که در آن مدل مسائل و آسیبهای جامعه معاصر سید جمال‌الدین اسدآبادی، عوامل و علل آن مسائل، راهکارهای حل آن مسائل و سرانجام طرح و ترسیم جامعه و وضعیت مطلوب در نظر وی به خوبی از یکدیگر تفکیک می‌گردد.

با توجه با آنچه گفته شد، می‌توان سؤالات تحقیق را به صورت زیر طرح کرد:

1. محمد عبده گرچه شیعه نیست، ولی در راستای شکل‌گیری نهضت‌های شیعی در قرن اخیر بی‌تأثیر نبوده

است.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه باقر العلوم علیه السلام می باشد

1. از نظر سید جمال‌الدین اسدآبادی، جامعه اسلامی دچار چه انحرافات و آسیبهای اجتماعی است؟
 2. مسائل و مشکلات اساسی جامعه به نظر وی، از کجا ناشی می‌شوند و جنس و طبیعت آنها چیست؟
 3. راهکار تغییر و اصلاح جامعه چیست و چه راههایی را برای وصول به هدفهای اصلاحی و تغییر اجتماعی باید انتخاب کرد؟
 4. چرا اساساً سید جمال‌الدین اسدآبادی برای اصلاح و تغییر جامعه اسلامی همت گماشته است؟
- این جستار در صدد یافتن پاسخ این پرسشها در آثار و آراء سید جمال‌الدین اسدآبادی مطابق مدل تغییرات سیاسی توماس اسپریگنز است. البته با این پیشفرض که سید جمال‌الدین اسدآبادی به عنوان یک مصلح اجتماعی که به دنبال علل مهم انحطاط جامعه اسلامی و تلاش برای تغییر وضعیت آن بوده، لاجرم می‌باید تصویری از جامعه و چگونگی دگرگونی آن در ذهن داشته و آن را در آثار خود بیان کرده باشد.

ضرورت تحقیق

بر کسانی که دل و ذهن مشغول بومی‌سازی علوم هستند، شایسته و بایسته است، به ارائه تفکر اجتماعی متفکران اعم از معاصر و گذشته با غور در آثار، فرهنگ، جامعه و تاریخ آنان در هر سه مرحله پیشگفته پردازند. از همین رو، طرح «اندیشه اجتماعی متفکران مسلمان معاصر» به طور عام و تغییرات اجتماعی در آنها، به طور خاص، در صدد چنین هدفی است؛ گرچه این جستار در صدد ارائه چارچوبی تحلیلی فقط در باب تغییرات اجتماعی در اندیشه‌های سید جمال است.

افزون بر این، در برنامه رسمی آموزش آکادمیک جامعه‌شناسی، درسی با عنوان «تاریخ جامعه‌شناسی» و در مواردی با عنوان «تاریخ تفکر اجتماعی» وجود دارد. در اکثر کتابهای مبانی جامعه‌شناسی یا تاریخ جامعه‌شناسی از اندیشه‌های افلاطون و ارسطو درباره زندگی اجتماعی انسان و مسائل آن، بحث می‌شود؛ در حالی که همه، آغاز علم تجربی جامعه‌شناسی را در قرنهای اخیر می‌دانند و این سیره علمی جامعه‌شناسان، بر اهمیت نقش اندیشه‌های ما قبل علمی، در فهم جامعه‌شناسی، دلالت دارد. بر این اساس یکی از زمینه‌های لازم برای دانش‌پژوهان علوم اجتماعی در جوامع اسلامی و از آن جمله کشور ایران، مطالعه و بررسی تفکرات اجتماعی دانشمندان مسلمان است.

در حال حاضر تفکر اجتماعی مسلمانان در دوره کارشناسی علوم اجتماعی، تحت عنوان «تفکر اجتماعی

در اسلام» و نیز «اندیشه اجتماعی در ادبیات فارسی» ارائه می‌شود. این موضوع در دوره کارشناسی ارشد نیز تحت عنوان «اندیشه اجتماعی متفکران مسلمان» تدریس می‌شود. از این رو، بررسی تفکرات اجتماعی اندیشمندان مسلمان از جمله سید جمال‌الدین اسدآبادی کاری آکادمیک، زمینه‌ساز و ارائه دهنده طرح درس این دروس است.

افزون بر دو مورد ذکر شده در اهمیت شناخت تفکر اجتماعی مسلمانان، شناخت تفکر اجتماعی سید جمال‌الدین اسدآبادی درباره تغییر جامعه اهمیت بسزایی دارد، دانش‌پژوه علوم اجتماعی در ایران که محل تحقق خیلی از ایده‌ها و روشهای اجتماعی وی بوده است، باید به این امر بیشتر توجه داشته باشد. بدیهی است چنین توجهی در شناخت ساخت اجتماعی کنونی جامعه ایران عامل مؤثری است.

در این جستار تلاش شده تا با مراجعه مستقیم به آثار و تألیفات سید جمال‌الدین اسدآبادی، مناسب‌ترین رویکرد جامعه‌شناختی در باب اندیشه تغییر در آرای سید جمال‌الدین اسدآبادی انتخاب شده و نوعی بازسازی مفهومی از اندیشه‌های اجتماعی او صورت پذیرد.

به طور خلاصه، از آنجا که سید جمال‌الدین اسدآبادی ضمن احاطه بر فلسفه، اصول و فقه، نخستین عالم و اندیشمند اسلامی است که در دوره مدرن (تجدد) به احیای اندیشه اسلامی و اصلاح جامعه اسلامی پرداخته، بررسی اندیشه‌های اجتماعی وی برای دانش‌پژوه علوم اجتماعی در کشورهای اسلامی به خصوص ایران امری ضروری است؛ به خصوص که سید جمال‌الدین اسدآبادی افزون بر علوم پیشگفته نسبت به ایدئولوژیها، نهضتها، مکاتب فلسفی غرب، جغرافیای جهان و تحولات اجتماعی جهان معاصر خود شناخت خوبی داشته و در باره آنها از دیدگاه یک عالم اسلامی ابراز عقیده کرده است. لذا، اندیشه‌های اجتماعی سید جمال‌الدین اسدآبادی نسبت به بسیاری از متفکران مسلمان غنیتر و در عین حال اصیلتر است.

اهداف پژوهش

این تحقیق از آنجا که تحقیقی بنیادی است، دارای اهداف زیر است:

1. اکتشاف. هدف اکتشافی در این تحقیق عبارت است از فهم اولیه از وضعیت اجتماعی جوامع اسلامی زمان سید جمال‌الدین اسدآبادی.
2. توصیف. بعد از آن در پی ارائه شرحی کامل و دقیق و گزارشی از وضعیت جوامع اسلامی و مسلمانان و دلایل انحطاط و زوال جامعه اسلامی است.

3. تبیین افزون بر دو هدف قبل، این تحقیق در صدد است عناصر، عوامل و مکانیسم‌های دخیل در ایجاد انحطاط جوامع اسلامی در اندیشه سید جمال‌الدین اسدآبادی را نشان دهد.
4. فهم سرانجام برای یافتن دلایل کنش اجتماعی مسلمانان در زمان سید جمال‌الدین اسدآبادی و از منظر وی تلاش می‌شود.

پیشینه تحقیق

بسیار از آثاری که در باب اندیشه‌های سید جمال‌الدین اسدآبادی منتشر شده است، در مورد احیاءگری و جنبش بیدارگری اسلامی وی است. اما آثاری که به اندیشه‌های اجتماعی سید پرداخته باشند، با وجودی که اندک‌اند، به دو دسته قابل تقسیم هستند. نخست آثاری که به طور کامل در باب اندیشه‌های سیاسی یا اجتماعی سید نوشته شده‌اند؛ و دوم پاره‌ای از آثار متأخر در باب اندیشه سیاسی - اجتماعی جهان اسلام که به تناسب چند صفحه‌ای را نیز به بررسی اندیشه‌های اجتماعی سید جمال‌الدین اسدآبادی اختصاص داده‌اند؛ ما نیز در ادامه و در ابتدا دسته اول را مورد بررسی قرار داده و بعد از آن به بررسی دسته دوم می‌پردازیم.

1. 1) یک اثر که با یک چهارچوب نظری و با نگرشی تحلیلی به اندیشه‌های سیاسی - اجتماعی سید جمال‌الدین اسدآبادی نظر افکنده است، در *آمدی بر جامعه‌شناسی دین (اصلاح‌گرایی دینی سید جمال‌الدین)* است که ما نیز در تدوین این جستار از آن استفاده کرده‌ایم. آنچه در این کتاب ارائه شده است، روشی است که از سوی جامعه‌شناسان به «تحلیل ساختار» تعبیر می‌شود. در این کتاب سعی شده است اندیشه سید جمال‌الدین اسدآبادی به مثابه یک ساختار عموماً متجانس معرفی شود. کسی که در پی اصلاح‌گری در میانه دو رویکرد خرافه‌زدایی از ساحت دین و مدرنیته واقع شده است. بدون شک با استفاده از روش و ابزارهای علمی دیگری همچون پدیدارشناسی، هرمنوتیک و همچنین روش‌های متداول تاریخی نیز می‌توان به مطالعه اندیشه سید جمال پرداخت. ولی از آنجایی که سید جمال را نه می‌توان از اندیشه حاکم بر دوران مبارزاتی‌اش جدا ساخت و نه به او به عنوان فردی جدا از تعلقات خاطرش نگریست، روش مطالعه‌ای که مبتنی بر سنخ‌شناسی توأم با تحلیل ساختاری است، در این کتاب ارائه شده است. این نوع سنخ‌شناسی به مؤلف کتاب فرصت داده است تا چهارچوب از قبل تعیین شده‌ای در دست داشته باشد.

2. 1) اثر دیگری که در تدوین این پایان‌نامه مورد استفاده قرار گرفته و جزء پیشینه تحقیق قرار می‌گیرد، *سید جمال‌الدین و اندیشه‌های او* اثر مرتضی مدرس است. نویسنده در این اثر ضمن این که خواننده را با

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه باقر العلوم علیه السلام می باشد

زندگی و فلسفه اجتماعی و سیاسی سید آشنا می‌کند، او را در باره اعمال و افکار سید جمال‌الدین اسدآبادی و عکس‌العمل‌های متقابل آن و همچنین اوضاع سیاسی، باورها و عقاید دینی، نقایص اجتماعی و احوال آن عصر در آسیا و اروپا و افریقا توسط یک سلسله معلومات آشنا می‌سازد. شایان ذکر است، از آنجا که این مجموعه به صورت مجموعه مقالات تدوین شده است، فاقد هر گونه طرح نظری تحقیق است و به همین دلیل از طرح تحقیقی ما فاصله می‌گیرد.

3. 1) *زندگی و مبارزات سید جمال‌الدین اسدآبادی*، کتابی است که نتیجه تحقیقات آقای سیروس جمالی می‌باشد. این اثر از این جهت که تحقیقی است و پاره‌ای از سؤالات و شبهات در مورد سید جمال را پاسخگوست، بسیار مفید است.

4. 1) *زندگانی و سفرهای سید جمال‌الدین اسدآبادی*، اثر دکتر علی‌اصغر چلبی. نویسنده در این کتاب گذشته از بیان شرح حال و زندگی سید جمال به نقد اندیشه و معروف‌ترین کتاب او «رساله نیچریه» و شرح و تصحیح آن پرداخته است.

5. 1) *سید جمال‌الدین اسدآبادی مصلحی متفکر و سیاستمدار* اثر سید احمد موثقی. از این اثر نیز در تحقیق خود سود جسته‌ام.

1. 2) اثری که بخشی از آن با نگرش و رویکردی اجتماعی یا سیاسی به افکار و اندیشه‌های سید جمال‌الدین اسدآبادی پرداخته است، *سیری در اندیشه سیاسی عرب*، اثر حمید عنایت است. موضوع این کتاب، بررسی و سنجش اندیشه‌هایی است که زمینه جنبش سیاسی ملت‌های عرب را در زمان معاصر فراهم کرده است. روش اساسی عنایت در این کتاب، بررسی اندیشه‌هاست نه نقد آنها، با اشاره‌هایی به زمینه اجتماعی و سیاسی مسائل. اولین شخصیت مورد بررسی در بخش سوم این اثر با عنوان «تجدد فکر دینی»، مربوط به شخصیت و اندیشه‌های سید جمال است. ما نیز در تحقیق حاضر از این اثر استفاده‌ها کرده‌ایم.

2. 2) *پیشگامان مسلمان تجددگرایی در عصر جدید* اثر احمد امین نیز کتاب دیگری است که می‌توان آن را به عنوان پیشینه تحقیق معرفی کرد. این کتاب، به منظور بیداری و بیدارگری مسلمانان و به ویژه جوانان مسلمان و آشنایی آنان با تاریخ دو‌یست ساله تجددگرایی و اصلاح‌طلبی اسلامی نوشته شده و خطوط مختلف اصلاحگری و تجددخواهی نیز در آن تشریح شده است.

فصل دوم این کتاب به سید جمال‌الدین اسدآبادی اختصاص دارد. نویسنده در کتابش از شیوه تحقیقی و

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه باقر العلوم علیه السلام می باشد

مستند و ارائه منابع و مآخذ استفاده نکرده است. دلیل آن هم احتمالاً آن بوده که قصد نگارش کتاب تحقیقی به سبک رایج نداشته، بلکه می خواسته زندگینامه‌هایی از برخی از پیشگامان تجددگرای مسلمان بنویسد. لذا با طرحی که در این پایان‌نامه دنبال می‌شود که نیازمند مستندات تاریخی است، بسیار متفاوت است.

3. 2) بررسی اجمالی نهضت‌های اسلامی در صد ساله اخیر اثر شهید مرتضی مطهری کتاب دیگری

است که در این جستار مورد استفاده قرار گرفته و می‌توان گفت یکی از پیشینه‌های تحقیق حاضر است. بخش اول این کتاب به شخصیت، اندیشه‌ها و افکار سید جمال اختصاص دارد که بیشتر مباحث مربوط به شخصیت سید در این تحقیق از این اثر استفاده شده است.

در این فصل افزون بر ترسیم جغرافیای اندیشه تغییر در بین اندیشمندان شیعه در سه مرحله، بیان مسأله، ضرورت تحقیق، سؤالات تحقیق، اهداف این پژوهش و پیشینه تحقیق نیز بررسی و بیان شد. از آن جا که طرح روش تحقیق و مدل تحلیل، این فصل را بیش از اندازه طولانی می‌کرد، به این دو موضوع در فصل بعدی پرداخته‌ام.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه باقر العلوم علیه السلام می باشد

فصل دوم

روش تحقیق

و

مدل تحلیل

طبق شیوه گزارش نویسی تحقیق، محقق باید فصلی را به شیوه گردآوری داده‌ها، چگونگی کسب نتایج به دست آمده و تدبیر و اندیشه‌ورزی در خصوص موضوع تحقیقش اختصاص دهد. از این رو، این فصل در دو بخش به این مهم پرداخته است: اول نوع روش مورد استفاده تشریح شده است و در قسمت دوم مدل تدبیر و اندیشه‌ورزی بیان گردیده است.

روش تحقیق

روش در تحقیق حاضر از نوع روش در تحقیقات کیفی است، چرا که این تحقیق، تحقیقی کمی و مبتنی بر آمار و تجربه نیست. تحقیق کیفی به صورت گسترده به هر نوع تحقیقی اطلاق می‌شود که یافته‌های آن از طریق فرآیند آماری و با مقاصد کمی‌سازی به دست نیامده باشد. به عبارت دیگر تحقیق کیفی به معنای هر گونه تحقیقی است که یافته‌ها و نتایج آن بر گرفته از ابزارهای آماری یا دیگر روشهای کمی نباشد. تحقیق کیفی از ابزارهای تحقیق کمی مانند آمارها، فرضیات استفاده نمی‌کند. این تحقیق فقط یک سری مفروضات درمورد زندگی اجتماعی را به عنوان اهداف تحقیق بر می‌گزیند و با طرح سؤالاتی هدفمند، باز و غیرساختارمند به کشف واقعیات می‌پردازد.

طبق این تعریف، از آنجا که جمع‌آوری اطلاعات در این تحقیق از طریق فرآیند آماری به دست نیامده است، تحقیق از نوع تحقیقات کیفی به حساب می‌آید. به هر حال، طبق این تعریف، تحقیقات مبتنی بر روش کتابخانه‌ای را می‌توان از تحقیقات کیفی به حساب آورد.

در روش کتابخانه‌ای کتابها، مقالات و دیگر آثار مکتوب که معمولاً در کتابخانه‌ها موجود است، مورد مراجعه و مطالعه قرار می‌گیرد و مطالبی که به مرتبط با موضوعات تحقیق است، یادداشت برداری می‌شود. پس از جمع‌آوری اطلاعات به یکی از شیوه‌ها بر روی اطلاعات گردآوری شده، تدبیر و تفکر صورت می‌گیرد: تصحیح، شرح، تفسیر، استنباط، نقد، تحلیل، مقایسه، تبیین و استنتاج.

در این تحقیق ابتدا به مطالعه آثار سید جمال‌الدین پرداخته‌ام و از این طریق اطلاعات مورد نیاز را جمع‌آوری نموده‌ام. به عبارت دیگر ابتدا به روش «مطالعه پژوهشی» دست به جمع‌آوری اطلاعات زده‌ام. روش

مطالعه پژوهشی روش خاصی است که دارای ویژگیهای متعددی نیز می باشد:

- مطالعه پژوهشی مطالعه‌ای سؤال محور یا جهت دار است؛ یعنی محقق برای به دست آوردن اطلاعات خاصی به مطالعه می پردازد. از این رو، در چارچوب برنامه مطالعاتی تعریف شده عمل می کند.
- مطالعه پژوهشی مطالعه‌ای عمیق و دقیق است؛ یعنی محقق باید ابتدا مطالب (در این تحقیق آراء و اندیشه‌های سید جمال‌الدین) و متن را بفهمد و مشخص سازد که این اطلاعات در چه زمینه‌ای از پژوهش یا به کدام یک از سؤالات پژوهش پاسخ می دهد، سپس آن را ثبت کند. برای درست فهمیدن یک متن در مواردی چندین بار خواندن آن ضرورت دارد و در مواردی نیز باید از دیگران (استادان راهنما و مشاور) کمک گرفت.
- مطالعه پژوهشی مطالعه‌ای انتقادی است. در پژوهش فقط جمع‌آوری اطلاعات بدون ارزیابی و نقد، ارزش چندانی ندارد. به همین دلیل در مطالعه پژوهشی، محقق باید به صورت انتقادی با متن مواجه شود و اطلاعات موجود در متن را مطالعه نماید تا هر نوع اطلاعاتی را بدون هیچ ضابطه‌ای ثبت و ضبط نکند. افزون بر این تشخیص دهد که چه میزانی از اطلاعات متن برای او قابل استفاده است.
- بعد از مرحله جمع‌آوری اطلاعات، باید مجموعه اطلاعات جمع‌آوری شده، طبقه‌بندی شود تا از حالت پراکندگی و گستردگی خارج شود. سپس باید اطلاعات جمع‌آوری شده با توجه به ضابطه‌هایی مورد ارزیابی بیرونی و درونی قرار گیرد تا اعتبار و حجیت آنها مشخص گردد و در پایان باید بر اساس این اطلاعات استدلال و استنتاج کنیم و نتایج و برداشتهای خود را ارائه نمائیم؛ یعنی به سؤالات تحقیق پاسخ دهیم.
- به طور مسلم نمی‌توان از انبوه اطلاعات کیفی پراکنده، نتیجه‌گیری کرد. بر این اساس باید اطلاعات جمع‌آوری شده طبقه‌بندی شوند. به همین دلیل تلخیص و طبقه‌بندی اطلاعات، بخشی از فرآیند تحلیل اطلاعات محسوب می‌شود. در پژوهشهای کمی به راحتی می‌توان با توجه به شاخصهایی همچون میانگین و واریانس اطلاعات را طبقه‌بندی کرد. ولی در پژوهش کیفی که اطلاعات به صورت الفاظ و جملات است، به راحتی نمی‌توان اطلاعات را طبقه‌بندی کرد و هیچ شیوه علمی تعریف شده‌ای برای حل آن مشکل به شیوه‌ای مقبول وجود ندارد. به این لحاظ در صدد برآمدم که مسائلی را با خلاقیت جدیدی حل کنم؛ یعنی تلاش کردم طبقه‌بندی اطلاعات را بر اساس سؤالات تحقیق انجام دهم.
- مرحله بعد، نقد و ارزیابی اطلاعات جمع‌آوری شده است. از آنجا که تحقیق ما یک تحقیق کیفی بود و در تحقیقات کیفی ما اطلاعات را تولید نمی‌کنیم، فقط با جستجو، اطلاعات موجود را جمع‌آوری می‌کنیم، باید ابتدا اطلاعات را بیابیم، سپس آنها را مورد سنجش قرار دهیم یا اعتباریابی کنیم. افزون بر این، به دلیل این که ما

در تولید، یا کسب این اطلاعات نقشی نداشتیم، شیوه ارزیابی آنها متفاوت است. به طور کلی در ارزیابی اطلاعات در پژوهشهای اسنادی و مدارکی دو نوع ارزیابی باید صورت گیرد: ارزیابی بیرونی و ارزیابی درونی. اما در تحقیق حاضر ما بیشتر بر نقد درونی، یعنی تعیین معنا و مفهوم اطلاعات می‌پردازیم؛ چرا که نقدهای بیرونی توسط دیگران بر روی آثار سید جمال‌الدین انجام گرفته است.^۲ در نقد درونی فهم مفردات، ترکیبات و جملات، گردآوری شواهد و قرینه‌ها، یافتن شواهد و در کنار هم قرار دادن اطلاعات مشابه مورد توجه بوده است.

و سرانجام دست به تفسیر و استنباط زده‌ام. بعد از این که در مرحله تجزیه و تحلیل، اطلاعات جمع‌آوری شده را طبقه‌بندی و نقد و ارزیابی کردم، از اطلاعات جمع‌آوری شده، استنباط به عمل آورده و نظر خود را ارائه نموده‌ام.

به طور خلاصه، در این جستار از روش تحلیل متن یا به تعبیر موریس دورژه روش «کلاسیک»^۳ استفاده برده‌ام و مبنای کار بر طبق این روش این گونه است که ابتدا پرسشهایی طرح می‌شود و بعد به جستجوی پاسخ آن در متن می‌پردازم. در روش تحلیل متن ارتباط بین رجوع به متن و نتیجه‌گیری درباره هر مطلب، دو سویه و مکرر است؛ یعنی با طرح پرسش، جستجو در متن را آغاز می‌کنم و پس از مطالعه متن، ممکن است، پاره‌ای قسمت‌ها آن معنی قسمت‌های دیگر را عوض کند.

استفاده از روش تحلیل متن برای فهم نظریه‌های یک نویسنده یا گوینده بر این فرض استوار است که نویسنده یا گوینده در ذهن خود نظم فکری نسبت به موضوعهای طرح شده داشته است؛ اما برای بیان منظم، سیستماتیک و طبقه‌بندی شده مطالب خود انگیزه‌ای نداشته است. با وجود این هرگاه با حوادث و یا پرسشهایی روبرو شده و یا در مقام تصمیم و عمل قرار گرفته، بر اساس بینش خود اظهار نظر کرده است. محقق در این روش سعی می‌کند، از طریق شالوده شکنی و تحلیل این آثار به نظم فکری، نظریه و اندیشه صاحب اثر پی‌برد و با استنادات مورد نیاز، ساختاری جدیدی به اندیشه‌های او ببخشد.

شایان توجه است که، همان طور که در چند صفحه آینده بیان خواهد شد، سید جمال‌الدین اسدآبادی

^۲ در این مورد می‌توان به مجموعه آثار سید جمال‌الدین اشاره کرد که محقق ارجمند آقای سید هادی

خسروشاهی مورد آنها را تصحیح و تقدیم کرده‌اند.

^۳ دورژه، موریس؛ روشهای علوم اجتماعی، ص 104.

بیشتر اهل عمل است تا نظریه‌پردازی، از این رو باید از خلال فلسفه اجتماعی طرح شده در آثارش به شناخت او از پاره‌ای جوانب واقعیت اجتماعی پی‌برد.⁴ در این روش از بررسی اندیشه‌های سید جمال‌الدین اسدآبادی، به عنوان اندیشه یک صاحب اندیشه که اصطلاحاً روش «منطق بازسازی شده» نامیده می‌شود، پرهیز کرده‌ام؛ چرا که در آن ممکن بود در ویژگی‌های آن غرق شوم. بر خلاف روشی که در پیش گرفته‌ام؛ یعنی روشی که در آن اندیشه سید جمال‌الدین اسدآبادی به عنوان اندیشه یک «مرد عمل» در نظر گرفته می‌شود.

مدل تحلیل در تحقیق

هرگاه یک نظریه‌پرداز بخواهد عقاید خود را به مخاطبانانش القاء کند و آنها را وادارد که «جهان را با دید او مشاهده کنند»، به تدابیر و به ملغمه‌ای از استراتژی‌ها و شکل‌های دستوری متوسل می‌شود. او صرف‌نظر از جملات ساده، از تمثیل‌ها، استعاره‌ها، اصول موضوعه، داستان‌های تخیلی، اساطیر، جملات تشویقی و حتی امری استفاده می‌کند. او نمی‌تواند بی‌دغدغه صرفاً از تعابیر و کلمات رایج بهره بگیرد؛ چرا که این کلمات معنی‌شان را از بازی‌زبان که کلمات در آن بازی فعالند، اتخاذ می‌کنند و هدف نظریه‌پرداز این است که یک بازی جدیدی را به ما بشناساند.⁵

چهارچوب نظری تحقیق مدلی نظری، فلسفی، منطقی و کاربردی ارائه می‌دهد که به کمک آن می‌توان منطق درونی هر نوع نظریه‌پردازی را خواه در زمینه سیاست، اقتصاد، اجتماع و تربیت کشف کرد. دلیل استفاده از چهارچوب نظری در تحقیق این است که می‌توان اندیشه‌های اجتماعی متفکران مختلف را با هر نوع بینش و نگرش، آسانتر با یکدیگر مقایسه و تحلیل کرد. از این رو، مدل تحلیل باید این ظرفیت را داشته باشد تا ابزاری برای تحلیل و تفکر منطقی در باره اندیشه‌های یک متفکر یا مسائل اجتماعی مورد دغدغه او فراهم کند.

هدف از نگارش این فصل ارائه چهارچوب نظری و مدل تحلیلی برای فهم اندیشه تغییر در بین اندیشمندان مسلمانی است که به طور رادیکال می‌اندیشند. همه متفکران مسلمان رادیکال علی‌رغم اختلاف چشمگیر در سبک و مفاهیم، نه تنها با مسائل اساسی یکسانی سروکار دارند، بلکه برای ایجاد تغییر روشی نسبتاً

⁴ صدیق اورعی، غلامرضا؛ بررسی تفکر اجتماعی حضرت امام خمینی (رض) درباره تغییر جامعه؛

⁵ این فصل خلاصه و برگرفته شده از اثر توماس اسپریگنز با عنوان فهم نظریه سیاسی است.

همگون اتخاذ کرده‌اند. قابل توجه است که معمولاً این روش همگون در آثار آنان به وضوح دیده نمی‌شود. به هر حال، ویژگی‌های مشترک اندیشه متفکران مسلمان به سادگی و بدون یک مدل و چهارچوب نظری مشخص نمی‌شود؛ اگر عناصر مشترک اندیشه یا دلمشغولی متفکران در یک مدل درک نشود، به طور قطعی مقایسه بین آنها اگر غیر ممکن نباشد، بسیار مشکل است. افزون بر این می‌توان از مدل تحلیل در نوع‌بندی متفکران نیز استفاده کرد. با تحلیل و شالوده‌شکنی اجزاء اندیشه یک اندیشمند می‌توان تشخیص داد، او جزء کدام دسته از اصلاح‌گرایان قرار دارد؛ جزء اصلاح‌گرایان از بالا است یا جزء اصلاح‌گرایان از پایین. اما به طور خاص، چهارچوب نظری در مورد اندیشه‌های سید جمال، افزون بر دو کاربرد پیشگفته، یک کاربرد دیگر دارد. سید جمال‌الدین اسدآبادی علی‌رغم مبارزه پیگیرش با حکومت‌های مستبد زمان خود، فلسفه سیاسی اسلامی را که خود می‌پسندیده است، دقیقاً عرضه نداشته است که به چه شکل و چه الگویی هست. شاید بدان جهت که مبارزات پیگیرش با استبداد و استعمار به وی فرصت نمی‌داده که به این مسائل بپردازد. و شاید بدان جهت که مبارزه با استبداد و استعمار را نخستین گام در راه انقلاب و رستاخیز اسلامی می‌دانسته و معتقد بوده است، ملت مسلمان هر گاه این گام اول را درست بردارد، در گام دوم، خود خواهد دانست که چه بکند، و ممکن است اینها را از نوعی نقص و کمبود در کار سید جمال‌الدین اسدآبادی تلقی کرد. در نتیجه مدل تحلیل ظرفیت این را دارد که فلسفه سیاسی و اجتماعی سید را نیز بازسازی کند. هدف مدل تحلیل در این تحقیق این است که جامعه زمان سید را برای ما قابل فهم کند، تا به سوی تصویر روشنی از آن هدایت شویم. یک نقشه از جامعه برای ما رسم می‌کند، تا به ما بگوید کجا هستیم و چه راهی ما را به مقصد مورد نظرمان می‌رساند. از این رو در اینجا درصدم فعالیتها و اندیشه‌های اجتماعی سید را در مدل تحلیل و «چهارچوب نظری توماس اسپریگنز» در کتاب *فهم نظریه‌های سیاسی ارائه دهم* تا ساختاری باشد، برای تحلیل دقیقتر و علمیتر اندیشه‌ها و رفتارهای سیاسی سید.

هدف از نگارش بخش بعدی، ارائه شیوه این جستار و ارائه چهارچوبی برای فهم نظریه تغییر سید جمال است. اندیشمندان مسلمان صرف نظر از اختلاف چشمگیر در سبک و مفاهیم، نه فقط با مسائل اساسی یکسانی سروکار دارند، بلکه برای پاسخ‌گویی به این مسائل، روشی نسبتاً همگون اتخاذ کرده‌اند. لذا ارائه این شیوه روشی مناسب برای مقایسه آنها با یکدیگر است.

شایان ذکر است که روند جستار پس از آغاز، خود یک پویایی درونی پیدا خواهد کرد. پاسخ به پرسشها و ارائه راه حل، پرسشهای جدیدی را مطرح می کنند و این روند تا مرحله ای که نظریه پرداز به برداشت نمادین خود از کلیت نظم یافته وضوح علمی می بخشد، ادامه پیدا می کند. در این مرحله است که سیاحت اکتشافی و ذهنی نظریه پرداز به پایان می رسد؛ فقط پس از این موفقیت است که سردرگمی اولی که انگیزه جستار شده بود، بر طرف می شود.

مدل تحلیل اسپریگنز

به نظر می رسد، اندیشه و روشی که اسپریگنز در مورد بررسی «تغییر جامعه» مطرح می کند، کارآیی بسیاری دارد. نخست به این دلیل که اگر اندیشه های تمام اندیشمندان مسلمان معاصر در این مدل ارائه شود، بررسی، تحلیل و مقایسه آنها با یکدیگر آسانتر و دقیقتر امکان پذیر می شود. دوم به این دلیل که تعریف اسپریگنز از نظریه سیاسی بر «تفکر اجتماعی در باب تغییر جامعه» منطبق است. به همین دلیل، تفاوت اصطلاحات کاملاً ظاهری است و موضوع در هر دو تحقیق یکی است.

اسپریگنز در فهم نظریه های سیاسی یا به تعبیر ما اندیشه تغییر جامعه چهار مرحله اساسی را مطرح می کند:

۱. بحران و مشاهده بی نظمی

بحرانهایی که موجب می شوند، شخصی در صدد شناخت، کشف علل و یافتن راه حل برآید، به صورت متعدد ظاهر می شوند. بحران ممکن است برای همه روشن باشد و تمام افراد جامعه را در بر بگیرد و بر زندگی همه اثر بگذارد. درهم گسیختگی ها و مصیبت های گسترده ای که به صورت جنگ های داخلی و بحران های اقتصادی، جوامع انسانی را دستخوش بحران می کند، مثال های بسیار واضحی است. گاهی حتی در چنین اوضاع بحرانی نیز تشخیص و درک طبیعت مشکل ممکن است، آسان نباشد. گاهی همه قبول دارند که جامعه با مشکلاتی دست به گریبان است، ولی در شناسایی مشکل اصلی اتفاق نظر نیست.

هدف اساسی نظریه پردازان ارائه راه حلی برای مسائل و مشکلات اجتماعی و سیاسی است. به عبارت دیگر نظریه پرداز از بحران های اجتماعی که جامعه با آنها درگیر است، آغاز می کند. بنابر این نخستین مسأله شناسایی مشکل جامعه است. گاهی این کار بسیار ساده است. اما گاهی صرف شناسایی مشکل خود به تعمق نیاز دارد.

اکثر مصلحان اجتماعی، اصلاح و تغییر اجتماعی مورد نظر خود را با مشاهده بی‌نظمی در جامعه آغاز می‌کنند. مشاهده نادرستی، مشکل فکری ایجاد می‌کند و ناهنجاریهایی را نشان می‌دهد که نیاز به توضیح دارد. در عین حال مشاهده نادرستی انگیزه‌ای ملموس است که انسان وادار به یافتن راه حل می‌شود. مشاهده بی‌نظمی هم عقل را به حرکت می‌اندازد و هم احساس را.

۲. دلایل بحراناها و بی‌نظمی

بعد از این که مشکل به خوبی شناسایی شد، نظریه‌پرداز نمی‌تواند آرام بگیرد؛ در چنین حالتی قلب و ذهن انسان او را به مطالعه بیشتر وامی‌دارد. انگیزه طبیعی، منطق مشاهده، و توجه یک ذهن نگران پژوهش بیشتر را موجب می‌شوند. راه حل ارائه شده برای حل مشکل «چه چیز خراب است»، سردرگمی جدیدی را می‌آفریند. پاسخی که در مرحله مشاهده بی‌نظمی ارائه می‌شود، خود نطفه سؤالات بعدی است. به عبارت دیگر وقتی مصلح اجتماعی که در صدد تغییر اوضاع و احوال موجود است، شرایطی را نامنظم و نامطلوب تشخیص داد، منطق مشاهده حکم می‌کند که زمینه مشاهده نیز بررسی گردد. در این مرحله دو سؤال مطرح می‌شود: نخست این که اگر این اوضاع نامطلوب است، دلایل آن چیست؟ و دوم این که اگر این اوضاع نامطلوب است، آیا بحراناها و بی‌نظمی‌های اجتماعی (اوضاع نامطلوب) مطرح شده، ریشه سیاسی، یا فرهنگی و یا اجتماعی دارد؟ افزون بر این مصلح اجتماعی باید کشف کند که آیا ریشه مشکل عام و اجتماعی است (یعنی از آنهایی است که به جامعه مربوط می‌شود) و یا این که مشکل انفرادی است و صرفاً تأثیرات ذهنی و فردی مصلح اجتماعی است.

نخستین کار مصلح اجتماعی این است که مطمئن شود ریشه مشکل اجتماعی یا سیاسی است و نه فردی. او باید اطمینان حاصل کند که مشاهده او از بی‌نظمی اجتماعی صرفاً محصول فرافکنی یا انتقال و یا جابجایی روانی او نیست.

افزون بر آن چه گفته شد و پس از آن، در صورتی که به این نتیجه رسید که مشکل اجتماعی است، باید مشخص کند که آیا مشکل محصول شرایطی است که انسان می‌تواند تغییر بدهد، یعنی از نوع دلایل قراردادی است، یا این که از نوع علل پدیده‌های طبیعی و غیر قابل تغییر است. به عبارت دیگر، آیا ریشه بی‌نظمی عوامل طبیعی است یا از عوامل مصنوع بشر؟ آیا مشکل از عوامل ناگزیر طبیعی ناشی شده است و بنابر این انسان ناچار است زندگی خود را با آن وفق بدهد؟ یا این که مسأله، از آن دست مسائل زندگی است که ناشی از خود

انسان است و به همین علت قادر است آنها را به حکم تناسب تعدیل کند و تغییر دهد؟ آیا دلایل و موجب نارضایتی های انسانی و اجتماعی جزء طبیعت اشیاء است و یا این که جزئی از عوامل محیطی است که بشر قادر به کنترل آنها است؟

لذا مصلح اجتماعی باید ریشه مشکل را پیدا کند. باید به مطالعه دقیق در دلایل یا علل بی نظمی و کارکرد نادرست اوضاعی که مشاهده کرده است، پردازد. کشف دلایل و یا علل و موجبات مسائل اجتماعی به طور معمول خیلی مشکل و دشوار است. مصلح اجتماعی در این مرحله باید نقش تحلیل گر را بازی کند. او باید مرحله دقیق و سردرگم کننده شناسایی روابط علت و معلولی را در این دنیای پیچیده پشت سر بگذارد؛ چرا که تا وقتی دلایل و یا علل مشکل مورد سؤال روشن نشود، درک واقعی آن عملی نیست. افزون بر این مصلح اجتماعی بدون روشن شدن دلایل و یا علل واقعی نمی تواند پیشنهادات مناسبی برای درمان مشکل ارائه کند. در نتیجه مصلح اجتماعی، علی رغم مشکلات فراوان، در مرحله تشخیص دلایل و یا علل، باید در باره موضوع علت و معلول قضاوتی ارائه کند. پاسخهایی که او در این مرحله ارائه می کند، احتمالاً برای کل نظریه او سرنوشت ساز خواهد بود.

سرانجام گاهی سؤال در این مرحله این است که کدام یک از سازوکارها در نهادهای نظام اجتماعی مسؤول نابسامانی های موجود است. نظام اجتماعی به طور کامل پیچیده است و از متغیرهای به هم پیوسته بسیاری که هر یک ممکن است، بی نظمی اجتماعی را به وجود آورده باشد، تشکیل شده است. احتمال دارد، نابسامانی ها از فرهنگ جامعه، یعنی از گرایشهای غیر رسمی، باورها، و شیوه رفتارهای اجتماعی که در میان افراد اجتماع حاکم است، ناشی شود. شاید مشکل در شکست نهادهای تربیتی جامعه باشد.⁷ شاید هم ریشه بی نظمی در نادرست بودن نظام اداری و کارکردهای پنهان اقدامات خیرخواهانه دولت است. و در نهایت ممکن است، بحرانهای اقتصادی سبب نابسامانی های اجتماعی شده باشد.

شایان ذکر است که مسائلی را که مصلح اجتماعی در صدد حل یا تغییرشان است، حل شدنی نیستند؛ چرا که این موضوعات همیشگی هستند. همیشگی اند، چون بیشتر وقتها فهم این که چه عواملی بیش از عوامل

⁷ مصلحان اجتماعی مهم، مصلح تربیتی نیز بوده اند. کتاب جمهور افلاطون همانقدر که رساله ای در باب سیاست و اجتماع است، رساله ای در باب تعلیم و تربیت نیز هست. لاک در کتاب تفکر در باره تعلیم و تربیت و روسو در کتاب امیل مقدار زیادی در باره نظام تربیتی بحث می کنند.

دیگر در به وجود آوردن بی‌نظمی اجتماعی دخالت داشته است، ساده نیست. وقایع اجتماعی چنان پیچیده‌اند و از عوامل متداخلی به وجود آمده‌اند که بسادگی و با اطمینان نمی‌توان علل مسائل مطرح شده را تشخیص داد. وقتی که بی‌نظمی مورد مطالعه از نظر تاریخی بی‌همتا است و یا وقتی علل متعدد دخالت دارند و یا هر دوی این مشکلات حاضرند، پژوهشگر ناچار است به حدس و گمان متوسل شود. او فاقد گروه‌های کنترل (یعنی گروه‌هایی که بتوان هر بار یکی را کم یا زیاد کرد) است که او را در تشخیص اهمیت عوامل دخالت‌کننده یاری دهد.

تشخیص علل بی‌نظمی و نابسامانی در اندیشه‌های اندیشمندان بسیار مهم است؛ زیرا که تجزیه و تحلیل عللی که اندیشمند در مطالعه خود از بی‌نظمی اجتماعی ارائه می‌دهد، به طور قاطع جمع‌بندی‌های تجویزی او را شکل می‌دهد. درمان کارساز باید پس از تشخیص صحیح علل انجام گیرد.

۳. تجویزها و راه درمان

بعد از پشت سر گذاشتن مرحله دوم، نوبت به سومین جزء از مدل تغییر اجتماعی می‌رسد که گاهی به عنوان خصیصه بارز نظریات اجتماعی تلقی می‌شود. منظور از این مرحله، مرحله ارائه راه حل است. تجویزهای مصلحان اجتماعی تا حد زیادی به نسخه پزشک شباهت دارند. آنها مثل دستورات پزشک متضمن نوع خاصی از اجباراند. آنها احکام اخلاقی مطلق نیستند (شما باید فقط این کار را بکنید)، بلکه توصیه‌هایی هستند برای افرادی که برای سلامت خود ارزش قائلند (اگر می‌خواهید سالم باشید این دارو را بخورید)، اینها نظراتی دوراندیشانه هستند. مصلحان اجتماعی بر اساس بینش خود از حقایق اجتماعی، نظراتی ارائه می‌کنند. اگر ما بینش آنها را تأیید کنیم، خود به خود به راه حل تجویزی آنان متمایل می‌شویم و طبیعتاً به اجزاء آنها وارد می‌شویم. آنها تأکید می‌کنند که نظریات آنها صرفاً تبلیغ سلیقه شخصی‌شان نیست. آنها مطالبی را بیان می‌کنند که فکر می‌کنند، برای خود مردم مفید هستند.

اما در این جا مسأله‌ای وجود دارد و آن فاصله منطقی بین «آن چه هست» و «آن چه که باید باشد» می‌باشد. به عبارت دیگر آن چه در صیغه امری بیان می‌شود (تو باید این کار را بکنی) نمی‌تواند، به طور منطقی از مقدماتی که در صیغه اخباری (این مسأله این طور است) بیان می‌شود، استنتاج شود. حتی اگر تمام جمله‌های اخباری را روی هم بریزیم، نمی‌توان از آنها راه علاج را نتیجه گرفت.

اما باید توجه داشت که شکاف بین آن «چه که هست» و «آن چه که باید باشد»، یکی از عادی‌ترین حقایق

زندگی را، یعنی تأثیر ژرفی را که واقعیت جامعه بر رفتار مردم می‌گذارد، به پدیده‌ای اسرارآمیز تبدیل می‌کند. انسان رفتارش را بر بینشی که از واقعیات دارد، بنا می‌کند. انسان در توضیح علت انجام هر امری، به حقایق مربوط به جهان اشاره می‌کند. وقتی کسی به ما دستور می‌دهد ما علتش را می‌پرسیم. این دلایل باید بر واقعیت بنا شوند. مثلاً «از روی خط‌آهن بلند شو»، «چرا؟» زیرا الان قطار رد خواهد شد، توضیحاتی که ریشه در واقعیات زندگی دارند، به هر امر دستوری، معنی و ضمانت اجرا می‌دهند. بدون اتکاء به واقعیات جملات امری بی‌معنی و غیرعقلایی جلوه می‌کنند. در دنیای واقعی که مردم زندگی می‌کنند، اگر همه چیز عاقلانه باشد، راحلهای تجویزی مستلزم داشتن بنیان‌های متکی بر حقیقتند. حتی ساده‌ترین عبارت درباره حقایق رگه‌ای از تجویز در خود نهفته دارد؛ مثلاً وقتی کسی می‌گوید: «این یک صندلی است»، گوینده می‌خواهد بگوید که نمی‌توان با آن چیزی پخت و یا برایش طلب مغفرت کرد. به طور خلاصه عباراتی که بیان حقایق‌اند، در مفهوم باز، و نه محدود، شمول تجویزی دارند. به این ترتیب که آنها تناسب و تخصیص عکس‌العمل‌ها را مشخص می‌کنند.

از این رو، به دلیل خصوصیت سرشت انسان و بهنجاری تمایلات انسان، حتی اگر مصلح اجتماعی به طور تجویزی صحبت نکند، حرفهایش اثر تجویزی خواهند داشت؛ یعنی این که مصلح اجتماعی لازم نیست، صیغه امری به کار ببرد تا مخاطبانش از برداشتهای او از جامعه برداشت تجویزی بکنند. او فقط باید مسائل را آن طور که هست، بیان کند، تمایلات طبیعی مخاطبین آنها را به برداشت تجویزی واخواهند داشت.

۴. جامعه بازسازی شده (مطلوب)

چهارمین جزء نظریه پردازی یعنی تصویر جامعه احیاء شده به جسم شناور می‌ماند. مرحله تصویر جامعه بازسازی شده ظاهراً باید قبل از ارائه راه حل بیاید، ولی ممکن است قبل یا بعد از تشخیص علل بی‌نظمی ارائه شود. حتی گاهی ممکن است قبل از مشاهده بی‌نظمی باشد. در بیشتر موارد تصویر جامعه احیاء شده احتمالاً به شیوه دیالکتیکی با مشاهده بی‌نظمی و تشخیص علل آن مرحله به مرحله رشد می‌کند.

مشاهده بی‌نظمی به غیر از مشکل تشخیص علل، مسأله دیگری را نیز پیش می‌کشد و آن مسأله چگونگی جامعه مطلوب است؛ چرا که بی‌نظمی و نابسامانی در جامعه نه فقط انگیزه تفکر را برای مصلح اجتماعی فراهم می‌کند، بلکه سرخ‌هایی هم برای راه حل به او نشان می‌دهد. به عبارت دیگر بحرانه‌ها، بی‌سامانی‌ها، و گسیختگی‌های جامعه، مصلح اجتماعی را وادار می‌کند که در فکر خود به بازسازی نظام اجتماعی جدیدی

پپردازد.

اگر مصلح اجتماعی اوضاع و احوال اجتماعی را که در آن زندگی می کند به نحوی بی نظم تشخیص دهد، بدین معناست که یک نظام مرتب و مطلوب می تواند وجود داشته باشد. از این رو مصلح اجتماعی باید به این سؤال جواب بدهد که اگر این اوضاع نامنظم و نامطلوب است، اوضاع مرتب و مطلوب کدام است؟ به طور خلاصه مصلح اجتماعی باید به این سؤال اساسی جواب بگوید که «جامعه مطلوب چه نوع جامعه‌ای است؟»

در این مرحله، به طور مثال، اگر مصلح اجتماعی مشکل جامعه را در از خود بیگانگی، بی سازمانی (یعنی شرایطی که جامعه در آن شرایط گروه گروه و متفرق شده است)، نابخردی، دیوانگی و یا سرکوبی می بیند، او باید نشان دهد که جامعه بیگانه نشده، سازمان یافته، بخردانه، عقلایی و بدون سرکوب چه نوع جامعه‌ای است. از آن جا که بازسازی جامعه، طرحی است از جامعه به آن گونه که باید باشد، مصلح اجتماعی باید به ذهن و فکر خود متکی شود. البته این که مصلح اجتماعی در مرحله بازسازی جامعه باید از ذهن خود بهره بگیرد، معنی اش این نیست که صرفاً خیال پردازی و رؤیایگرایی کند. او آزاد نیست که در تصورات غرق شود. تجسم و تصور او از جامعه بازسازی شده، با این که خیالی است، اما باید به شدت با واقعیات مربوط باشد. تصور او باید فرافکنی امکانات واقعی و قابلیت های حقیقی زندگی انسانی باشد، یعنی بر زندگی واقعی افراد در جامعه بنیان شده باشد و گر نه پنداری بیهوده بیش نیست. بازسازی ذهنی توسط تصور آرمانی مصلح اجتماعی در پی حقایقی در باره جامعه، سیاست و انسان است. البته آرمان شهر نماینده حقیقت تجربی به مفهوم ساده آن نیست. برداشتی ایستا و جدا از زمان و مکان حاضر هم نیست. با وجود این هدف از آرمان شهر این است که حقیقت و دستاوردهای اجرایی القاء کند. هدف آرمان شهر این نیست که آن چه را که رخ داده است، نشان دهد، بلکه امکانات بالقوه بشر را توصیف می کند. بیان کننده قابلیت ها و امکانات اجتماعی است و نه واقعیت ها.

او صرفاً جامعه را آن طور که هست توصیف نمی کند. به طور مسلم از توصیف جامعه شروع می کند، ولی باید جامعه را آن طور که باید باشد، نیز تعریف کند. او با دقت نابسامانی ها و بحرانهای نظام اجتماعی را بررسی می کند و سپس طرحی ارائه می دهد که در آن تمام این نابسامانی ها رفع شده اند.

به طور طبیعی در قدم بعدی نظریه پرداز جامعه‌ای را تصویر می کند که در آن مشکل یا معضل اجتماعی به شیوه مؤثری مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و با آن برخورد شده است. او در این مرحله، معمولاً تخیلات خود را به خدمت می گیرد و می کوشد تا تصویر یک نظم سیاسی را که در زمان او وجود ندارد، ترسیم کند.

بازسازی ذهنی جامعه می تواند یک تغییر در جهت نظام یافتن جامعه موجود تلقی شود. از این رو مصلح

اجتماعی برای درک برخی از بی‌نظمی‌های نظام اجتماعی موجود باید به مفهومی از نظم تکیه کند. ممکن است که از این مفهوم کاملاً آگاه نباشد. در واقع احتمال دارد که طرح او از نظم، نقش مهمی در بینش او از اوضاع اجتماعی بازی کرده باشد. برای تکمیل نظریه‌اش او باید به الگویی از نظم انسانی که پایه و اساس بینش او را تشکیل داده هم توجه کند و هم به آن وضوح علمی ببخشد. مصلح به جای این که به طور ضمنی بر تصویر نظام اجتماعی صحیح تکیه کند تا به وسیله آن نادرستی یک اوضاع به خصوص را دریابد، برداشت خود از بی‌نظمی را اساس درک نظام اجتماعی صحیح قرار می‌دهد. او به جای تکیه بر درک ضمنی از مفهوم سلامتی برای شناخت بیماری، در این مرحله با تکیه به شناختش از بیماری، کوشش دارد معنی سلامتی را دریابد. اگر چه این دو مرحله مکمل یکدیگرند ولی زمینه و متن جایشان عوض می‌شود.

معیارهایی که مصلح اجتماعی برای جامعه بازسازی ذهنی خود در نظر می‌گیرد، هنجارهایی^۸ برای زندگی اجتماعی نیز هست. هنجار یک شکل، یک طرح، و یا یک مفهوم است که به عنوان محک و معیار به کار می‌رود. نظم هنجاری بازسازی شده ترکیبی از نوآوری‌ها و اکتشاف است. از طرفی نوآوری است؛ چرا که به کوشش خلاق مصلح اجتماعی نیاز دارد. نظم اجتماعی، هنجاری را که ارائه می‌کند، صرفاً مشاهدات او و یا پدیده‌های تاریخی نیست. مصلح اجتماعی باید نوعی تجربه فکری در ذهن خود برای مجسم کردن یک نظم اجتماعی که برآورنده قابلیت‌های اجتماعی انسان است، انجام دهد. از طرف دیگر نظم هنجاری بازسازی شده نوعی کشف نیز هست. جامعه بازسازی شده صرفاً اختراع اندیشمند و مصلح اجتماعی نیست، بلکه به وسیله او کشف می‌شود. در واقع روشی که اندیشمند و مصلح اجتماعی به کمک آن شکل جامعه خوب را درک می‌کند، با روشی که دانشمندان برای کشف یک نظریه جدید به کار می‌برند، شباهت بسیاری دارد: مصلح اجتماعی واقعیت دنیای اجتماعی را به عنوان سرنخ‌هایی به کار می‌برد و با آن طرح‌های کلی تری برای معنی دادن به این حقایق ارائه می‌دهد. و همان طور که دانشمندان، نظریات جدید را احتمالاً با الهام شخصی ارائه می‌کنند، مصلح اجتماعی نیز ممکن است، مسائل را به طریق شهودی درک کند.

چند نوع روش برای بازسازی جامعه وجود دارد: نخست، برداشت و روش رادیکال برای تغییر در نظام جامعه است. رادیکال در این جا به معنای «ریشه» است و آن به ریشه اصلی مسأله نگاه کردن است. این نگرش

^۸ هنجار مفهومی است که به طور مستقیم و یا به صورت استعاره‌ای، نماد اوضاع مناسب و کلیتی است

که نقطه مقابل بی‌نظمی و نقص است.

غالباً خواهان تغییرات وسیعی است. مصلح اجتماعی رادیکال «آرمان‌گرا» است. او در روش خود فلسفی، انتزاعی، خیال‌پرداز و در نتیجه‌گیری‌های خود به شدت منطقی است. اندیشمند رادیکال تصویر جامعه خود را با مشاهده شکست‌های جامعه‌اش و سپس با تصور کردن جامعه‌ای که این شکست‌ها در آن وجود ندارد، ترسیم می‌کند. او با مشاهده جنگ، جهانی پر از صلح؛ با مشاهده نادرستی، حقیقت؛ با مشاهده نفرت، اخوت؛ با مشاهده جدایی‌ها، اتحاد؛ و با مشاهده سرکوبی، آزادی را می‌بیند. به هر حال جهان بازسازی شده‌ای که ارائه می‌دهد به شدت با وضع موجود تفاوت دارد. ویژگی اساسی سبک و شیوه رادیکال در عمق و جامعیت آن است. و ضعف این روش این است که ممکن است این نظریات از حدود قابل دسترسی خود بالاتر بروند.

دومین شیوه بازسازی جامعه روش محافظه‌کارانه است. اساس تفکر محافظه‌کاران سنت‌های جامعه است و نه بینش تعقلی و فکری. متفکر محافظه‌کار عاقل، معتقد نیست که این جامعه بهترین جامعه ممکن است. او معتقد است که بهترین راهنما برای تغییر و تعدیل مسائل اجتماعی معاصر آگاهی به تجربه جمعی بشر است. سنت‌ها و نهادهایی که از آزمایش زمان سربلند بیرون آمده‌اند، برای مصلح اجتماعی منبع الهام است. بنابر این جستار بازسازی محافظه‌کاران به معنای زیر و بالا کردن دقیق تجربه‌های انسانی است، برای یافتن آن جنبه‌هایی که پویایی خود را حفظ کرده‌اند و نه استنتاج تصویر انتزاعی از ساخت جامعه خوب.

قوت نظریه محافظه‌کاری در واقع‌گرایی او است. ریشه عمیق آن در تجربیات عینی گذشته، آن را از اسیر شدن به خیال‌پردازی آرمان‌گرایانه حفظ می‌کند. از آنجا که اساس فکر مصلح اجتماعی محافظه‌کار بر منابع سنت و گذشته است، طرحهایی که ارائه می‌دهد در واقع عملی هستند. در عوض، ضعف این روش در نظریات اجتماعی است که بسادگی اسیر رکود و ارتجاع می‌شود. مصلح اجتماعی محافظه‌کار ممکن است آینده‌نگری خود را در چنبر احتمالات گذشته گرفتار کند. او ممکن است امکانات و حتی ضروریات جدید را که شرایط متغیر تاریخی فراهم آورده است، نادیده بگیرد.

روش سوم بازسازی جامعه روش عمل‌گرایانه (اصالت عمل) است که بین دو روش رادیکال و محافظه‌کارانه قرار دارد. متفکر اجتماعی عمل‌گرا، اصلاح‌طلب است، منتهی از نوع گام به گام آن. مرحله بازسازی او اصولاً جمع‌وجور است. او شدیداً به اجرای پی‌آمدی‌های بنیانی برداشت خود از بی‌نظمی اجتماعی پای‌بند نیست. عکس‌العمل‌های او نیز بیشتر تجربی هستند تا نظری. او فکر می‌کند راه درست حک و اصلاح نظام اجتماعی است و نه تفحص مداوم در اطراف آن. اگر چرخ‌های ماشین صدا می‌دهد به آنها باید روغن زد، ولی نباید اصول ساختمان آنها را مورد بررسی قرار داد. از آن جا که این روش راجع به سؤالات نهایی درباره

نظام اجتماعی، ساکت است، به ندرت امکانات نظریه‌پردازی اجتماعی را فراهم می‌کند.

این روش انعطاف‌پذیر و خالی از تعصب است. نوعی عکس‌العمل است که از خطر انتزاعی بودن افراطی مصون است. روشی است که با انعطاف‌پذیری و تأکید بر هدف‌های خاص و مشخص به وجود می‌آید و از قطب‌بندی‌های غیر ضروری به خصوص در مسائل اصولی جلوگیری می‌کند. روش عمل‌گرایی تام‌ضررهایی نیز دارد. یکی از این زیانها زیان فکری است. به این معنی که عمل‌گرایان به اندازه کافی تفکر نمی‌کنند و منطقی نیستند. آنها ممکن است تا حد زیادی از فرض و حکمهای منطقی که بر عملشان حاکم است، نیز ناآگاه باشند. افزون بر این عدم آگاهی نظری می‌تواند دور اندیشی را نیز از بین ببرد. تنگ‌نظری در جامعه بسیار خطرناک است. واقع‌گرا ممکن است به جای پیشروی، برای رهایی از مسائل و مشکلات، خود را در مردابی غرق کند. یا ممکن است اصول اساسی و مهم را نادیده بگیرد و چه بسا که ممکن است هر دو رخ بدهد.

جمع‌بندی

ترتیب این مراحل احتمالاً در عمل تا اندازه‌ای محدود پس و پیش می‌شود. به طور مثال هر گونه توصیه و راه حلی که در آخرین مرحله ارائه می‌شود، وقتی منطقی و با معنی است که پس از شناسایی مشکل، تشخیص علل آن و این که چه چیزهایی یک راه حل را تشکیل می‌دهند، ارائه شود. تا وقتی که به این مسائل بنیانی از قبل پاسخ گفته نشود، از راه حل صحبت کردن، در خلأ فریاد زدن است. با همین منطق مرحله تجزیه و تحلیل ریشه‌های مسأله، به طور منطقی نمی‌تواند قبل از مشاهده بحران و بی‌نظمی باشد. قبل از تشخیص علل، خود مسأله باید کاملاً روشن شده باشد و بنابر این حتی اگر این نظم در مرحله ارائه نظریه اجتماعی رعایت نشود، این مراحل در روند جستار همیشه به این ترتیب است: 1. مشاهده بی‌نظمی 2. تشخیص علل 3. و ارائه راه حل.

به هر حال به نظر اسپریگنز، محقق از جایی آغاز می‌کند که مصلحان اجتماعی خود آغاز کرده‌اند؛ نه از نتیجه و نه از سؤالات انتزاعی؛ بلکه احساس مشخص سردرگمی و حیرتی که در ابتدا مصلح اجتماعی را به تفکر واداشته است. روند جستار پس از آغاز، خود پویایی درونی پیدا خواهد کرد. پاسخ به سؤالات اولیه و ارائه راه حل، سؤالات جدیدی را مطرح می‌کند... این روند تا مرحله‌ای که مصلح اجتماعی به برداشت نمادین خود از کلیت نظم‌یافته صیقل علمی می‌زند، ادامه پیدا می‌کند... چهارچوب پویای منطق در عمل در واقع الگویی صرف برای اذهان فعال و جوینده راه حل است.

اما بیان وضع نامطلوب موجود و وضع مطلوب مفقود برای ایجاد تغییر کفایت نمی‌کند. بیان مبدأ و غایت در این شیوه، گرچه ضروری است، اما ناقص است. برای پشت سر گذاشتن فاصله بین مبدأ و غایت و چگونگی گذشتن از مرحله مبدأ و رسیدن به مرحله غایت نیاز به طرح و برنامه است. برای شناخت و تصویر مصلح اجتماعی از چگونگی تغییرات، نه تنها باید دانست اهداف کدامند، بلکه باید راه‌های رسیدن به آنها را نیز دانست. نه تنها باید راه‌حلهای ارائه شده و یا نظرهای آنها را دانست، بلکه باید سرچشمه و نحوه توجیه راه حلها را نیز دریافت.